

## نقش شرط و جزاء در خوانش جمله‌های درهم‌تنیده

با تطبیق بر حدیث «لَوْ أَنَّ الْعِبَادَ إِذَا جَهَلُوا وَقَفُوا وَ لَمْ يَجْحَدُوا لَمْ يَكْفُرُوا»

حسین محققیان<sup>۱</sup>

علی نقی پارسانیا<sup>۲</sup>

خوانش متون و به‌ویژه متون حدیثی، نیازمند آگاهی از قواعد ادبی است. بی‌توجهی به این قواعد و یا آگاهی‌نداشتن از آن، سبب کج‌فهمی و یا فهم نادرست می‌شود.

گاهی در سخنان معصومان علیهم‌السلام عباراتی دیده می‌شود که خوانش درست آن از سوی عموم علاقه‌مندان، نیازمند اعراب‌گذاری و استفاده از علائم ویرایشی است. حتی گاهی خوانش روایت از سوی متخصصان نیز بدون استفاده از این علائم دشوار می‌شود. در مواردی نیز اعراب‌گذار و ویراستار، برای رسیدن به بهترین خوانش، نیازمند بررسی متون مشابه هستند.

روایت زیر که در کتاب «الکافی» نقل شده، از جمله متونی است که خوانش درست آن به دقت ادبی و بهره‌گیری از علائم نگارشی نیاز دارد.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ  
بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَوْ أَنَّ الْعِبَادَ إِذَا جَهَلُوا وَقَفُوا  
وَ لَمْ يَجْحَدُوا، لَمْ يَكْفُرُوا.<sup>۳</sup>

این روایت شریف دو شرط و دو جزا دارد که توقف در هنگام خوانش، معنای آن را تغییر می‌دهد. حروف شرط «لَوْ» و «إِذَا» در این عبارت هر یک نیاز به جزایی جداگانه دارند. شرط «إِذَا»

۱. فارغ التحصیل سطح سه مرکز تخصصی علوم حدیث قم. (mohgeg@gmail.com)

۲. پژوهشگر مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۳۸۸، ح ۱۹.

جمله «جَهَلُوا» و جزای آن «وَقَفُوا وَ لَمْ يَجِدُوا» است و جمله «أَنَّ الْعِبَادَ إِذَا جَهَلُوا وَقَفُوا وَ لَمْ يَجِدُوا» شرط حرف «لَوْ» و جزای آن «لَمْ يَكْفُرُوا» است. بنابراین عبارت یادشده چنین معنایی دارد: «اگر بندگان هنگامی که ندانند، توقّف کنند و انکار نکنند، کافر نمی‌شوند.» کافرشدن در این روایت نتیجه دو عمل است؛ یکی توقّف نکردن هنگام نادانی و دیگری انکارکردن هنگام ندانستن. پس این دو عمل به‌صورت معطوف و معطوف علیه، جزاء برای شرط دوم (اذا) هستند و جزای شرط اول (لَوْ) فقط کافرشدن است.

این روایت با همین سند در نقل دیگری با جابه‌جایی حرف «واو» نقل شده است.

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَوْ أَنَّ الْعِبَادَ إِذَا جَهَلُوا، وَقَفُوا، لَمْ يَجِدُوا وَ لَمْ يَكْفُرُوا.<sup>۴</sup>

بنا بر این نقل، معنای عبارت، چنین است: «اگر بندگان هنگامی که ندانند، توقّف کنند، انکار نمی‌کنند و کافر نمی‌شوند.» بر خلاف نقل قبلی، کافرشدن و انکارکردن در این روایت، نتیجه توقّف نکردن هنگام نادانی است. پس معطوف و معطوف علیه، جزای شرط اول (لَوْ) هستند و جزای شرط دوم (اذا) فقط توقّف نکردن هنگام نادانی است.

این روایت با همین ترکیب از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در دو کتاب «غرر الحکم» و «عیون الحکم و المواعظ» نیز نقل شده است.

لَوْ أَنَّ الْعِبَادَ حِينَ جَهَلُوا وَقَفُوا، لَمْ يَكْفُرُوا وَ لَمْ يَضِلُّوا.<sup>۵</sup>

این نقل مانند روایت «المحاسن» است و جزای «لَوْ» از «لَمْ يَكْفُرُوا وَ لَمْ يَضِلُّوا» آغاز می‌شود و معنای آن چنین است: «اگر بندگان هنگامی که ندانند، توقّف کنند، کافر نمی‌شوند و گمراه نمی‌گردند.» کاربرد جمله‌هایی با دو شرط و دو جزا در زبان عربی، اندک نیست. در بلاغت، از این روش با عنوان

۴. المحاسن، ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۱۰۳.

۵. غرر الحکم، ج ۵، ص ۱۱۳، ح ۷۵۸۲؛ عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۱۶، ح ۷۰۷۶.

«مزاوجه» یاد می‌شود و نشانگر درهم‌تنیدگی هر دو شرط و هر دو جزا با یکدیگر است.<sup>۶</sup> مثلاً متن دیگری در این دو کتاب نقل شده که هرچند اساس آن شبیه نقل «المحاسن» است، ولی مضمون آن نکته دیگری را بیان می‌کند.

لَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ عَصَوْا أَنَابُوا وَ اسْتَغْفَرُوا، لَمْ يُعَذَّبُوا وَ لَمْ يُهْلَكُوا.<sup>۷</sup>

اگر مردم هنگامی که نافرمانی کردند، توبه می‌کردند و طلب بخشش می‌نمودند، عذاب نمی‌شدند و هلاک نمی‌گشتند.

در اینجا عذاب‌نشدن و هلاک‌نشدن مردم، متوقف بر توبه و استغفار پس از گناه است. برای خوانش و فهم این دسته از جمله‌ها، ابتدا باید شرط و جزای دوم را یافت و آن را معنا کرد و سپس شرط و جزای نخست را یافت و به معنای آن رسید.

### کتابنامه

۱. جواهر البلاغة، سید احمد هاشمی، تحقیق یوسف صمیلی، بیروت، المكتبة العصرية.
۲. عیون الحكم و المواعظ، علی بن محمد بن لیثی واسطی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۳. غرر الحكم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، شرح محمد بن حسین (آقا جمال خوانساری)، تحقیق جلال‌الدین حسینی ارموی محدث، تهران، دانشگاه تهران، چهارم، ۱۳۶۶ ش.
۴. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۵. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، تحقیق سید جلال‌الدین حسینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۶. ن. کت جواهر البلاغة، ص ۳۰۹.

۷. غرر الحكم، ج ۵، ص ۱۱۳، ح ۷۵۸۳؛ عیون الحكم و المواعظ، ص ۴۱۷، ح ۷۰۷۷. (در این نقل به جای کلمه «آنا بوا» کلمه «تابوا» آمده است.)